

اقتصاد سیاسی و اقتصاد مقاومتی؛

مقایسه تحریم‌های اقتصادی در دو دهه ۱۳۳۰ و ۱۳۹۰

مهدی حسنی* / الماس نصر دهبیری**

(۱۸۹-۱۶۳)

چکیده

تحریم اقتصادی غرب علیه ایران، سابقه تاریخی دارد. البته پس از انقلاب اسلامی بر شدت آن افزوده شد. (تاریخچه) مقایسه نکردن روشمند دو پدیده بزرگ تحریم اقتصادی پیش و پس از انقلاب اسلامی، کاستی‌ها و برجستگی‌های اقتصادی سیاسی و مقاومتی را مبهم گذاشته است. (مسئله) با این وصف، درباره هر یک از آن دو، آثاری جداگانه تألیف شده است، اما پژوهشی برای مقایسه آنها وجود ندارد. (پیشینه) بنابراین، مقاله حاضر در پی پاسخ این پرسش است که مقایسه اقتصاد سیاسی دهه ۱۳۳۰ و اقتصاد مقاومتی دهه ۱۳۹۰ کاربرد کدامیک را در تحریم‌های اقتصادی غرب کارا می‌سازد؟ (سؤال) دولت مصدق برای گذار از تحریم‌های اقتصادی، بیشتر به بیرون از مرزهای ملی دل بست، اما نظام ج.ا.ا. با تکیه بر ظرفیت‌های درونی، راهی برای بیرون رفت از تحریم‌ها و قوت‌های اقتصادی می‌جوید. (فرضیه) مقاله قصد دارد بهترین شیوه را برای مرحله گذار از تحریم

*. استادیار گروه علوم سیاسی مجتمع آموزش عالی محلاتی (نویسنده مسئول) - hassani-ma42@yahoo.com

** . دانشجوی دکتری علوم سیاسی مجتمع آموزش عالی شهید محلاتی - Nasir_dehzir@yahoo.com

اقتصادی پیشنهاد کند. (هدف) دستیابی به عناصر و شاخص‌ها و نیز خصایص این دو گفتمان و تجزیه و تحلیل آنها با استفاده از شیوه مقایسه‌ای، کارایی و ناکارایی این دو گفتمان را روشن می‌سازد. (روش) تأثیر آموزه‌های دینی، انقلابی و عرضه رهنمودهای سیاسی از سوی رهبران مذهبی در کارایی مقاومت در برابر تحریم نظام سلطه و پیشرفت کشور و ناکامی دشمن، از دستاوردهای این مقاله است. (یافته)

واژگان کلیدی

اقتصاد مقاومتی، اقتصاد سیاسی، تحریم اقتصادی، ایران، انگلیس و آمریکا

مقدمه

نفت افزون بر منبع انرژی بودن، نقش مهمی را در تعیین میزان قدرت ملی و اعتبار بین‌المللی کشورها ایفا می‌کند؛ از این رو، قدرت‌های بزرگ جهان، از بدو پایه‌گذاری صنعت نفت، همواره با بهره‌بردن از ابزارهای گوناگون کوشیده‌اند ضمن تأثیر بر این صنعت، سازوکار مبادله نفت را در بازارهای جهانی کنترل کنند. همواره منطقه خلیج فارس در جایگاه قطب انرژی و منابع عظیم نفت و گاز مدنظر کشورهای استعمارگر بوده است، به گونه‌ای که پس از جنگ جهانی دوم، گروهی از تاریخ‌دانان نوشتند، اگر موتورهای درون سوز، قلب جنگ افزارهای نظامی مدرن باشند، خون آن نفت است. این ماده حیاتی از مهم‌ترین عوامل بسیاری درگیری‌ها، بی‌ثبات‌سازی‌ها، کودتاها و توطئه‌های گوناگون در صدسال اخیر خاورمیانه، به‌ویژه خلیج فارس و از فاکتورهای اثرگذار در روابط و رقابت، گرفتاری‌ها و مشکلات ملت‌های منطقه بوده است. (منصوری، ۱۳۹۰: ۲۷)

از نخستین سال‌های حفر چاه نفت در ایران، بیگانگان به دنبال منابع زیرزمینی کشور بودند و در هر فرصتی برای گرفتن امتیازهای گوناگون نفتی اقدام می‌کردند. یکی از جنجال‌برانگیزترین موضوع‌های بین‌المللی در دهه‌های اخیر، کاربرد تحریم‌های اقتصادی برای دستیابی به اهداف سیاست خارجی در سراسر جهان است. در همین مدت انگلستان سیزده و شوروی یازده بار دیگر کشورها را تحریم کرده‌اند. همچنین

تحریم اقتصادی همواره ابزار نیرومندی در سیاست خارجی آمریکا بوده، اما اکنون که جنگ سرد به پایان رسیده، اهمیت بیشتری یافته است و بیشتر به کار گرفته می‌شود. (زهرانی، ۱۳۷۶: ۵۱-۷۸) سیاست تحریم اقتصادی علیه ایران از سوی آمریکا، بسیار شبیه به سیاستی است که در طول جنگ سرد علیه اتحاد جماهیر شوروی سابق به کار گرفته شد. (کلاسون، ۱۳۷۶: ۱۹)

باتوجه به اهمیت نفت، کاربردهای مهم آن و باتوجه به سوءاستفاده قدرت‌های خارجی از آن، این مقاله برای دستیابی به پاسخ پرسش اصلی و سنجش این فرضیه لازم می‌داند در ابتدا کلیاتی درباره مفاهیم اصلی و چهارچوب نظری تبیین کند و در گام بعدی عناصر بنیادین و شاخص‌های اقتصاد سیاسی و اقتصاد مقاومتی را بر پایه روش مقایسه‌ای تجزیه و تحلیل نماید، و با تعیین آن، بکوشد نسبت بین عناصر این دو گفتمان را با هم مقایسه، و در این مقایسه ناتوانی گفتمان نخست (اقتصاد سیاسی) و کارایی گفتمان دوم (اقتصاد مقاومتی) را نشان دهد. نسبت سنجی این دو گفتمان در انتهای مقاله با سنجش فرضیه به پایان می‌رسد. مثلث نفت، ایران، بیگانگان و نتایج متفاوت آن در دو مقطع دهه ۱۳۳۰ و ۱۳۹۰، علت اصلی مقایسه این دو پدیده است تا نشان داده شود که کدام یک و در چه وضعیتی می‌تواند استقلال و توسعه ایران را تضمین کند؟

مفهوم و روش

الف) مفهوم: مفاهیم کلیدی تحریم اقتصادی، اقتصاد سیاسی و اقتصاد مقاومتی با هدف درک صحیح‌تر آنها تعریف می‌شود.

تحریم اقتصادی^۱ به معنای «تدابیر قهرآمیز اقتصادی علیه یک یا چند کشور برای ایجاد تغییر در سیاست‌های آن کشور است». (علبخانی، ۱۳۸۰: ۳۱) رابرت ژیلپین،^۲ تحریم اقتصادی را به «دستکاری روابط اقتصادی به منظور اهداف سیاسی» (زهرانی، ۱۳۷۶: ۴)

1. economical sanction.

2. Robert Gilpin.

می‌داند. رهبر معظم انقلاب، تحریم اقتصادی را وسیله‌ای برای وادارسازی کشور به عقب‌نشینی و تسلیم، (رهبری، ۱۳۸۷: سخنرانی) شکستن عزم و همت مردم، اختلال اقتصادی، (رهبری، ۱۳۸۷: سخنرانی) دستیابی مجدد و مجانی به ثروت از دست داده (رهبری، ۱۳۹۱: سخنرانی)، تجاوزطلبی و سلطه و دست‌اندازی به اینجا و آنجای دنیا (رهبری، ۱۳۸۷: سخنرانی) دانسته است. درباره ایران، تحریم اقتصادی یعنی: «می‌خواهند ملت ایران را به وسیله تحریم فلج کنند»، (رهبری، ۱۳۹۲: سخنرانی) اما اقتصاد سیاسی^۱ در جایگاه یک روش، مناسب‌ترین طریق برای تحلیل موضوع‌های مربوط به اقتصاد و سیاست است. پیروان مکتب مرکانتیلیسم (سوداگری) اصطلاح اقتصاد سیاسی را طرح، و سپس علمای کلاسیک اقتصاد نظیر پتی،^۲ آدام اسمیت،^۳ دیوید ریکاردو،^۴ درباره آن بحث کردند. ماکس وبر^۵ معتقد است: «جدا کردن اقدام اقتصادی از اقدام سیاسی به شیوه‌ای که دو جسم را در یک ترکیب شیمیایی از هم جدا کنند، عملاً ناممکن می‌باشد.» (کردزاده کرمانی، ۱۳۸۰: ۱۰) جوزف لاپارو^۶ انگلیسی‌اظهار می‌کند: «اقتصاد به عنوان روندی سیاسی است که در آن توسعه اقتصادی صورت می‌پذیرد.» (کردزاده کرمانی، ۱۳۸۰: ۱۰) منظور از اقتصاد سیاسی در این نوشتار، خصوصیات تصمیم‌گیری در زمینه‌های ویژه‌ای از سیاست‌گذاری است که برای چاره‌جویی در برابر فشارها و تحریم اقتصادی خارجی انتخاب می‌شود. دولت دکتر محمد مصدق در اوایل دهه ۱۳۳۰ در مقابله با تحریم اقتصادی دولت وقت انگلیس علیه ایران، در پی ملی‌شدن صنعت نفت این راهبرد را به کار برد. (کی استوان، ۱۳۲۹: ۱۹۳)

نخستین بار رهبر معظم انقلاب اسلامی مفهوم اقتصاد مقاومتی^۷ را راهکاری برای مقابله با تحریم‌های اقتصادی غرب و آمریکا مطرح کرد. اقتصاد مقاومتی به معنای

1. political economy.

2. William Petty.

3. Adam Smith.

4. David Ricardo.

5. Max Weber.

6. Joseph Laparro.

7. resisting economy.

تشخیص حوزه‌های فشار (در وضعیت تحریم) و کوشش برای کنترل و بی‌اثر کردن آن، و در شرایط آرمانی تبدیل چنین فشارهایی به فرصت است. اقتصاد مقاومتی در راستای کاهش وابستگی‌ها و تأکید بر مزیت‌های تولید داخل و تلاش برای خوداتکایی است. در واقع هدف اقتصاد مقاومتی آن است که بر فشارها و ضربه‌های اقتصادی از سوی نیروهای متخاصم که سد راه پیشرفت جامعه است، غلبه کند. اقتصاد مقاومتی را می‌توان در چهار گونه زیر تعریف نمود. اقتصاد مقاومتی در پی مقاوم‌سازی، آسیب‌زدایی، خلل‌گیری و ترمیم ساختارها و نهاد‌های فرسوده و ناکارآمد موجود اقتصادی است. در حقیقت، اقتصاد مقاومتی در پی آفندشناسی و پدافندشناسی در برابر هجمه‌هاست. در این رویکرد، ما به دنبال یافتن اقتصاد ایدئالی هستیم که هم اسلامی باشد، و هم ما را به جایگاه اقتصاد نخست منطقه برساند؛ اقتصادی که برای جهان اسلام الهام‌بخش و کارآمد، و زمینه‌ساز تشکیل تمدن بزرگ اسلامی باشد؛

(ب) **روش:** روش مقایسه‌ای ابزاری برای پژوهش‌های سیاسی است. ریچارد رز^۱، این روش را این‌گونه تعریف می‌کند: «روش مقایسه‌ای ارائه نوعی مدرک تجربی در تلاش برای مقایسه نظام‌مند و آشکار پدیده‌های سیاسی می‌باشد.» (مارش و استوکر، ۱۳۸۸: ۴۳۹) هیگ^۲ با استفاده از روش مقایسه‌ای متمرکز از موارد بیشتری استفاده می‌کند تا با مقایسه رهیافت‌های بسیار مشابه و رهیافت‌های بسیار متفاوت، عوامل و رهیافت‌های مطالعه مشخص شوند. (مارش و استوکر، ۱۳۸۸: ۲۸۱)

این روش برای مقایسه میان کشورها و به‌طور منطقی در مقایسه درون‌کشوری استفاده می‌شود. علت اصلی پژوهش مقایسه‌ای منعکس کردن ماهیت اساسی پژوهش در علوم اجتماعی و در نهایت شکل‌دهی نظریه‌ها، مفاهیم و فرضیه‌های مربوط به آنها در باره ارتباط میان پدیده‌های سیاسی است. از این روش می‌توان برای مقایسه تصمیم‌ها، وقایع اقتصادی یا سیاسی مشابه در دو مقطع متفاوت زمانی، یا مکانی استفاده

1. Richard Rose.

2. Haig.

کرد. این مقایسه می‌تواند به صورت موضوعی درون کشور (مانند توضیح و تبیین تفاوت‌های سیاسی عمومی میان قومیت‌ها در ایران)، یا مقایسه دو سیاست به ظاهر مشابه در دو مقطع زمانی (مانند رفتار دولتمردان در برابر سیاست‌های اقتصادی مداخله‌گر خارجی در دهه ۱۳۳۰ و ۱۳۹۰ در ایران) باشد.

هدف این روش این است که مقایسه کنیم تاچه حد، دولت‌ها و نظام‌های سیاسی حاکم گوناگون بارهبران مختلف سیاست‌های اقتصادی مشابه یا متفاوت را به کار می‌برند، در حالی که پژوهش‌های علمی بیشتر بر تبیین و تحلیل موارد متفاوت استوار است. این موارد مشخص‌کننده میزان کارایی و موفقیت‌آمیز بودن دو استراتژی در دو مقطع زمانی یا مکانی خواهند بود.

نهضت ملی‌شدن نفت و اقتصاد سیاسی

بحران ملی‌شدن نفت ایران، کشمکش سه‌جانبه‌ای بین انگلیس، آمریکا و ایران بود. دولت بریتانیا به خصوص در سال‌های پس از جنگ جهانی دوم، پیوسته با کمبود بودجه و عدم تعادل در تراز پرداخت‌ها مواجه شد. در این وضعیت شرکت نفت انگلیس و ایران که سالانه ۱۰۰ میلیون لیره (جیمزاف، ۱۳۸۲: ۵۱) عاید دولت بریتانیا می‌کرد، برای این دولت خاصی داشت؛ از این رو، در پی ملی‌شدن صنعت نفت ایران و قطع ید انگلیس از آن، وزارت خزانه‌داری بریتانیا برآشفته شد و همه تلاشش را برای حفظ این منبع مهم درآمدی به کار بست. بنابراین، خواستار اقدام قاطع علیه نهضت ملی‌شدن نفت در ایران بود. دولت این کشور مجموعه اقدامات زیر را با هدف بازگشت استعماری‌اش به صحنه سیاسی - اقتصادی ایران و انتقام از حامیان ملی‌شدن پی‌گیری نمود: (ازغندی، ۱۳۸۴: ۲۱۲)

۱. بردن دعوی خود به دیوان دادگستری لاهه؛

۲. افزایش تحرکات نظامی در منطقه برای اعمال فشار بیشتر بر ایران و گسیل ناوگان

جنگی به آبادان (کاتوزیان، ۱۳۷۲: ۲۱۳)؛

۳. تحریم اقتصادی علیه ایران و جلوگیری از تبدیل لیره به دلار، و صدور کالاهای

انگلیسی مورد نیاز ایران؛

۴. تهدید خریداران نفت از ایران و پیگیری سیاست جایگزینی برای نفت ایران؛
۵. شکایت از ایران به شورای امنیت سازمان ملل برای تشدید فشارها بر ایران و صدور نخستین قطعنامه علیه ایران؛

۶. کوشش برای تحریک داخلی با هدف جنگ داخلی در ایران با استفاده از درباریان. دولت مصدق در مقابله با تهدید و تحریم انگلیس، استراتژی اقتصاد سیاسی در چهارچوب موازنه منفی را در پیش گرفت. او طی نطقی اعلام کرد: «باید یکبار دیگر به دنیا نشان دهیم که لیاقت حفظ مواریث گران‌بها و پرعظیمت نیاکان خود را داریم. من تردید ندارم که شما هم وطنان عزیز، آن طریق را انتخاب خواهید کرد که با شرافت ایرانی مطابقت دارد.» (ازغندی، ۱۳۸۴: ۱۲۰) برخی از مهم‌ترین متغیرها و شاخص‌ها و مؤلفه‌های سازنده اقتصاد سیاسی عبارت بود از:

۱. فروش اوراق قرضه ملی: در پی تحریم اقتصادی انگلیس، دولت مرکزی به «فروش اوراق قرضه ملی به مبلغ ۷۰ میلیون ریال» (میرتربی، ۱۳۸۶: ۷۵) اقدام کرد. دکتر مصدق با هدف جلب نظر مردم در خرید این اوراق، در پیام رادیویی اش در تاریخ ۱۲ تیر ۱۳۳۰ از مردم خواست:

چنانچه مصرف‌کنندگان سابق محصول نفت ایران نخواستند در مقابل پرداخت وجه از مانف خریداری کنند، بدیهی است، دولت دست خود را به سوی ملت دراز و احتیاج خود را ابراز خواهد نمود. در چنان موقعی رجای واثق دارم که هر کس به قدر توانایی از اوراق دولتی که منتشر خواهد شد، خریداری خواهد نمود. (بسته نگار، ۱۳۸۱: ۲۰)

افراد در سطح پایین جامعه این اوراق را خریدند، اما برخی احزاب نظیر حزب توده با تحریم این اقدام و استقبال نکردن ثروتمندان از آن، هدف دلخواه در فروش این اوراق محقق نشد. «دکتر محمد مصدق نیز در یکی از نطق‌های خود در مجلس شورای ملی در فروردین ۱۳۳۰ به این واقعیت اعتراف کرد.» (ذوقی، ۱۳۸۰: ۲۱۹)؛

۲. صادر کردن نفت به دیگر کشورها: تلاش برای صدور نفت به دیگر کشورها و شکستن حلقه محاصره اقتصادی بین‌المللی علیه ایران (ازغندی، ۱۳۸۴: ۲۲۵ و ۲۷۰) به دلیل

وابستگی بودجه کشور به نفت، تنها راه دولت برای جبران جایگزینی برای یافتن جانشینانی به جای انگلیس بود. تحریم نفت ایران نیز مهم‌ترین سلاح انگلستان به شمار می‌رفت، اما دیگر شرکت‌های بزرگ نفتی نیز که مهم‌ترینشان آمریکایی بودند، با امتناع از خرید نفت ایران، به این تحریم پیوستند. (کاتوزیان، ۱۳۷۲: ۱۷۹) حضور ناوگان انگلستان در منطقه، عامل مؤثری بود که دیگر خریداران نفت ایران را از این کار باز می‌داشت، افزون بر این در پی تحریم ایران، استخراج نفت از منابع نفتی عربستان سعودی به میزان ۶۰ درصد افزایش یافت و کویت ۹۴ درصد به صادرات نفت خود افزود و استخراج نفت در ونزوئلا بیش از ۱۵ درصد افزایش یافت و شرکت نفت انگلیس بیشتر این افزایش استخراج‌ها را می‌خرید. از سوی دیگر افزایش ظرفیت پالایشگاه‌های دیگر نیز، برای جبران کاهش صادرات فرآورده‌های نفتی پالایشگاه آبادان در دستور کار قرار گرفت؛

۳. امیدواری به کمک اقتصادی آمریکا: دکتر مصدق، با نامه‌نگاری به آمریکا از طریق سفیر وقت آمریکا در ایران، ضمن درخواست کمک مالی و اقتصادی از آمریکا، در جهت جلب حمایت آمریکا از ایران و ایفای نقش میانجی‌گری میان ایران و انگلیس کوشید که با پاسخ منفی آمریکا روبه‌رو شد. او نوشت: «اگر آمریکا مایل باشد، ایران آماده و علاقه‌مند است در ازای کمک آمریکا، همه نفتی را که در حال حاضر موجود دارد، با تخفیف ۵۰ درصد به آمریکا تحویل دهد.» (ذوقی، ۱۳۸۰: ۱۲۸) مصدق بر آن بود که «ملت و دولت ایران همواره آمریکا را دوست صمیمی و خیرخواه خود» (ترکان، ۱۳۵۷، ج ۱: ۱۶۸) بداند. هندرسن، سفیر آمریکا، در پاسخ به این درخواست، اظهار می‌کند که «هر نوع کمک آمریکا منوط و مشروط به اقدامی نویددهنده از سوی دولت ایران، برای حل مشکل نفت با انگلیس می‌باشد.» (ذوقی، ۱۳۸۰: ۱۲۸) آمریکا به سبب برداشت سیاسی، خطر سقوط ایران به دامن کمونیسم شوروی، از نقش یک واسطه و میانجی خودداری کرد، و در پی بهره‌مندی از منافع نفتی ایران بود؛

۴. کاهش واردات و افزایش صادرات: این کار که از متغیرهای مهم استراتژی اقتصاد سیاسی و موازنه منفی دولت دکتر محمد مصدق در برابر تحریم نفتی انگلیس به شمار

می‌آید، مانند دیگر شاخص‌های آن، به دلیل نوسانات بسیار در نرخ مبادله در بازار چندان کارساز نبود. در این دوره شاهد روند کاهش نرخ تبدیل ریال هستیم. «از ۴۰ ریال در برابر هر دلار در اواسط سال ۱۳۲۹ و قبل از اعلام ملی‌شدن، تا ۱۰۰ ریال در برابر هر دلار در تابستان ۱۳۳۲، سقوط ۲۵۰ درصدی را نشان می‌دهد،» (کاتوزیان، ۱۳۷۲: ۱۸۳) که موجب افزایش بهای کالاهای وارداتی و سقوط قیمت کالاهای صادراتی در خارج شد.

انقلاب اسلامی و اقتصاد مقاومتی

پس از انقلاب اسلامی و با برچیده‌شدن بساط سلطه آمریکا از ایران اصرار بر مواضع برتری جویانه، تلاش برای بازگشت دوباره و تأکید و پیگیری موضوع برقراری رابطه سیاسی مجدد مبتنی بر سلطه، و جهت‌گیری اعتراضی «نه شرقی و نه غربی» مبتنی بر نفی سلطه در سیاست جمهوری اسلامی ایران و از سوی دیگر اصطکاک منافع ملی، تقابل ارزش‌های دینی، بن‌بست روابط دیپلماتیک و گسترش بحران را در روابط تهران و واشنگتن در پی داشته است.

آمریکا با اصلی‌ترین چرخش روابط، مناسبات و رفتار نظام برآمده از انقلاب اسلامی، به تبع آن چرخش اصلی‌ای را در سیاست خارجی‌اش در قبال ایران اسلامی به کار برد؛ از این رو، با کمک عناصر داخلی و نفوذی‌های وابسته به خود، به کارشکنی، توطئه و معارضة با انقلاب اسلامی ایران پرداخت. دولتمردان آمریکایی انکار نمی‌کنند که از نخستین روزهای تأسیس جمهوری اسلامی ایران، براندازی آن را هدفی استراتژیک در دستور کار خود دانسته‌اند. آنها بارها تأکید کرده‌اند که این هدف راهبردی با تغییر دولت‌ها در آمریکا و جابه‌جایی اولویت‌های سیاست خارجی این کشور از دستور کار خارج نخواهد شد؛ زیرا درگیری ایران و آمریکا، ریشه در ماهیت دو دولت دارد.

بنابراین، نظام سلطه و در رأس آن ایالات متحده آمریکا برای مقابله با انقلاب اسلامی ایران از هرگونه اقدامی فروگذار نکردند. کودتا، درگیری‌های قومی، تحریم اقتصادی، تهاجم نظامی، تهاجم فرهنگی، حمایت از برخی جریان‌های برانداز داخلی و

تلاش برای نفوذ، استحاله و فروپاشی از درون رامی توان از جمله سیاست‌های مقابله جویانه و براندازی انقلاب اسلامی نام برد. مجموعه شکست‌های نظام سلطه در حوزه‌های گوناگون، و تعمیق روح الهام‌بخش انقلاب اسلامی در منطقه و جهان، موجب شد آمریکا از حربه اقتصادی برای به تسلیم و ادار کردن ایران استفاده نماید؛ براین اساس به بهانه‌های گوناگون و تکراری و به استناد پرونده هسته‌ای ایران در شورای امنیت سازمان ملل متحد با اهداف سیاسی، اقدام به تصویب قطعنامه‌های زنجیره‌ای نمودند که با نگاهی به عمق و دامنه تحریم‌های مصوبه، می‌توان آن را جنگ اقتصادی علیه ایران اسلامی نامید.

این جنگ تمام‌عیار اقتصادی و فراتراز تحریم و محاصره اقتصادی و سیاسی، در دو محور اصلی پایه‌گذاری شد:

الف) تحریم نفتی با هدف کاهش درآمد ایران به دلیل اتکا بودجه کشور به نفت؛
 ب) تحریم مالی با هدف جلوگیری از چرخش درآمد و تأمین احتیاجات مورد نیاز مردم.
 آمریکا از نخستین ماه‌های پیروزی انقلاب اسلامی محاصره اقتصادی و اقدامات تحریمی علیه جمهوری اسلامی ایران را آغاز کرد و به تدریج در بیش از سه دهه به گونه‌ای تصاعدی آن را افزایش داد، اما تصمیم نظام سلطه برای تشدید فشارها و بنا بر گفته آنان اقدامات فلج‌کننده و پشیمان‌کننده، در مقطع دهه ۱۳۹۰ مردم و نیازهای روزانه آنها را هدف گرفت. نخستین بار رهبر معظم انقلاب با عنوان اقتصاد مقاومتی از استراتژی ایران برای مقابله با این اقدامات نام برد. «من سال ۸۶ در سخن مطهر علی بن موسی الرضا (علیه الصلوة والسلام) در سخنرانی اول سال گفتم که اینها دارند مسئله اقتصاد را پیگیری می‌کنند.» (رهبری، ۱۳۹۱: سخنرانی)

به‌طور کلی مهم‌ترین متغیرها و شاخص‌های اقتصاد مقاومتی عبارت‌اند از:

۱. دانش‌محوری و اقتصاد دانش‌بنیان: از مؤلفه‌های سازنده اقتصاد مقاومتی، مسئله دانش‌محوری است. یکی از نقاط قوت در سال‌های اخیر رشد روزافزون و حضور فعال ایران در عرصه‌های علمی بوده، و توسعه در این زمینه با سرعت انجام شده است،

به طوری که اعتبار سالانه علمی و تحقیقاتی کشور از محل بودجه عمومی دولت از سیزده میلیارد ریال در سال ۱۳۵۷، با رشد متوسط سالانه ۶/۵۷ درصد به ۱۲۳/۵ میلیارد ریال در سال ۱۳۷۷ و ۵۵۰۰ میلیارد ریال در سال ۱۳۸۶ رسیده است. (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۷: ۱۹۸) وضع علمی امروز کشور این اجازه را می‌دهد که اقتصاد را بر بنیاد دانش قرار دهد؛ (رهبری، ۱۳۹۲: سخنرانی) زیرا در سال ۱۳۹۱ ایران در حوزه نانو فناوری، رتبه نخست را به دست آورد و در رکوردهای تولید علم، انتشار مقالات علمی، سرعت پیشرفت علمی، و سهم کشور در تولیدات علمی کل جهان به پیشرفت‌های خوبی دست یافت. در مسابقات علمی فناوریانه، دانشجویان نسبت به سال گذشته، سی و یک درصد رشد داشتند. در این سال، تعداد دانشجو آن قدر افزایش یافت که به بیست و پنج برابر اول انقلاب رسید. در حوزه آب، محیط زیست، سلول‌های بنیادی، انرژی‌های نو، گیاهان دارویی، انرژی هسته‌ای و... پیشرفت‌های بزرگی رخ داد. «اینها همه مربوط به آن سالی است که دشمنان ملت ایران همه تلاش خود را بسیج کردند تا ملت ایران را از کار بیندازند.» (رهبری، ۱۳۹۱: سخنرانی)؛

۲. اقتصاد مولد و تولید ملی: از ارکان اقتصاد مقاومتی، حمایت از تولید ملی در عرصه صنعت و کشاورزی است به دلیل آنکه حمایت از تولید ملی، بخش درونزای اقتصاد کشور است. (رهبری، ۱۳۹۱: سخنرانی) در این راستا باید در کنار فعال ماندن واحدهای بزرگ اقتصادی، واحدهای کوچک و متوسط فعال شوند. (رهبری، ۱۳۹۱: سخنرانی) در این صورت، زرق و برق نام‌های فرنگی چشم‌ها را به خودش جلب نمی‌کند، بلکه این اندیشه تشویق و ترویج می‌شود که با خرید محصولات داخلی، کارگر و تولیدکننده ایرانی تقویت می‌گردد. (رهبری، ۱۳۹۲: سخنرانی) برای افزایش خرید تولید داخلی در چهارچوب اقتصاد مقاومتی، ممنوعیت خرید کالاهای خارجی موضوعیت می‌یابد. (رهبری، ۱۳۹۱: سخنرانی) نتیجه اینکه تنها راه برون رفت کشور از تحریم اقتصادی، اتخاذ رویکرد جهادگونه اقتصادی است و نخستین گام این حرکت، رونق تولیدات ملی، است که با اتکا به سرمایه‌های ایرانی میسر می‌باشد؛

۳. تلاش برای کاهش و قطع وابستگی به نفت:

کاهش وابستگی به نفت، یکی دیگر از الزام‌های اقتصاد مقاومتی است. این وابستگی، میراث شوم صد ساله ماست. اگر بتوانیم از همین فرصت که امروز وجود دارد، استفاده کنیم و تلاش کنیم نفت را با فعالیت‌های اقتصادی درآمذزای دیگری جایگزین کنیم، بزرگ‌ترین حرکت مهم را در زمینه اقتصاد انجام داده‌ایم. (رهبری، ۱۳۹۱: سخنرانی)

به بیان دیگر «اقتصاد ما دچار این اشکال است که وابسته به نفت است. ما باید اقتصاد خودمان را از نفت جدا کنیم» (رهبری، ۱۳۹۲: سخنرانی). به گونه‌ای که «هر وقت اراده کردیم، بتوانیم در چاه‌های نفت را ببندیم... وقتی برنامه اقتصادی یک کشور به یک نقطه خاص متصل و وابسته باشد، دشمنان روی آن نقطه خاص تمرکز پیدا می‌کنند.» (رهبری، ۱۳۹۲: سخنرانی) نباید فراموش کرد:

یکی از سخت‌ترین آسیب‌های اقتصادی ما همین وابستگی به نفت است. این نعمت بزرگ خدادادی برای کشور ما در طول ده‌ها سال مایه فروریختگی‌های اقتصادی و فروریختگی‌های سیاسی و اجتماعی شد؛ باید ما یک فکر اساسی بکنیم. ما نمی‌گوییم از نفت استفاده نشود، [بلکه باید] تکیه ما بر استفاده حداقلی از فروش نفت خام است. (رهبری، ۱۳۹۲: سخنرانی)

در عوض باید نفت را به صورت فرآورده در اختیار گذاشت؛

۴. اصلاح الگوی، سبک زندگی و مدیریت جهادی: از مسائل مهم در اقتصاد مقاومتی مدیریت مصرف است که با الگوی مصرف، سبک زندگی و مدیریت جهادی رابطه مستقیم دارد. مدیریت مصرف به معنای ممانعت از اسراف و زیاده‌روی است. در واقع، اصلاح الگوی مصرف به مفهوم پرهیز از ریخت و پاش، اسراف، و هزینه‌های زاید است؛ از این رو، در اقتصاد مقاومتی به مردم نمی‌گویند ریاضت بکشند یا مصرف را کاهش دهند، بلکه از آنان خواسته می‌شود درست مصرف کنند. هدفمند کردن یارانه‌ها نیز در جهت اقتصاد مقاومتی به ابزاری برای شکل گرفتن اقتصاد ملی تعبیر شده است. البته

کسانی که داد اصلاح‌الگوی مصرف، اصلاح سبک زندگی از طریق مدیریت جهادی را مطرح می‌کنند، باید بدانند که «کُونُوا دُعَاةَ النَّاسِ بِغَيْرِ اَلْسِنَتِكُمْ» (رهبری، ۱۳۹۲: سخنرانی) روشن است برای جلوگیری از اسراف، فرهنگ‌سازی لازم است، و فرهنگ‌سازی‌اش بیشتر به عهده رسانه‌هاست. (رهبری، ۱۳۹۱: سخنرانی)؛

۵. مبارزه مستمر با مفسد اقتصادی:

واقعاً نمیشود ما کار اقتصادی درست و قوی بکنیم، اما با مفسد اقتصادی مبارزه نکنیم؛ این واقعاً نشدنی است. همان چند سال پیش هم که من راجع به این قضیه بحث کردم و مطالبی را به مسئولین کشور گفتم، به همین نکته توجه داشتم که تصور نشود ما می‌توانیم سرمایه‌گذاری مردمی و کار سالم مردمی داشته باشیم، بدون مبارزه با مفسد اقتصادی و تصور نشود که مبارزه با مفسد اقتصادی موجب می‌شود که ما مشارکت مردم و سرمایه‌گذاری مردم را کم داشته باشیم؛ نه چون اکثر کسانی که می‌خواهند وارد میدان اقتصادی بشوند، اهل کار سالم‌اند، مردمان سالمی هستند؛ حالا یکی دو نفر هم آدم‌های ناسالم پیدا می‌شود، باید با چشم‌های تیزبین، ریزبین و دوربین مراقبت کنید که کسانی نیایند به عنوان ایجاد اشتغال و ایجاد کار و کارآفرینی تسهیلات بانکی بگیرند، اما کارآفرینی واقعی انجام نگیرد. این را باید مراقبت کنید؛ هم شما مراقبت کنید، هم قوه قضائیه مراقبت کند. (رهبری، ۱۳۹۱: سخنرانی)؛

۶. وجه درون‌زایی و برون‌گرایی اقتصادی: در اقتصاد مقاومتی تکیه اصلی بر ظرفیت‌های داخلی مانند ظرفیت‌های علمی، انسانی، طبیعی، مالی، جغرافیایی، اقلیمی و... است که به معنای تمرکز بر امکانات داخلی و داشته‌های درونی است و در کنار آن، توسل به معارف اسلامی و توکل بر خدا «يَدُ اللَّهِ مَعَ الْجَمَاعَةِ» است. (رهبری، ۱۳۹۲: سخنرانی) به بیان دیگر:

این اقتصاد درون‌زاست. درون‌زاست یعنی چه؟ یعنی از دل ظرفیت‌های خود کشور ما و خود مردم ما می‌جوشد؛ رشد این نهال و این درخت، متکی است به امکانات

کشور خودمان؛ درون‌زا به این معناست، اما در عین حال درون‌گرا نیست؛ یعنی این اقتصاد مقاومتی، به این معنا نیست که ما اقتصاد خودمان را محصور می‌کنیم و محدود می‌کنیم در خود کشور؛ نه، درون‌زاست، اما برون‌گرا است؛ با اقتصادهای جهانی تعامل دارد، با اقتصادهای کشورهای دیگر با قدرت مواجه می‌شود. بنابراین، درون‌زاست، اما درون‌گرا نیست. (رهبری، ۱۳۹۳، سخنرانی)

متغیرهای اقتصاد سیاسی و اقتصاد مقاومتی؛ مقایسه موارد بسیار مشابه و بسیار متفاوت

در مقایسه دو استراتژی اقتصاد سیاسی با اقتصاد مقاومتی در دهه ۱۳۳۰ و ۱۳۹۰ متغیرهای بسیار مشابه به هم و متغیرهای بسیار متفاوت از هم را شاهدیم. چون در این دو مقطع با دو نوع از دولت‌ها و نظام‌های سیاسی حاکم و نیز با رهبران متفاوت، در یک مقطع، نظام استبداد پهلوی و وابسته به انگلیس و آمریکا، و در مقطع دیگر نظام مردم‌سالاری دینی و در مقابله و مبارزه علیه انگلیس و آمریکا روبه‌رویم. از طرفی محور تحریم اقتصادی در مقطع ۱۳۳۰، نفت بود، اما تحریم اقتصادی در دهه ۱۳۹۰ افزون بر نفت و انرژی، تحریم مالی و مبادله‌ای، تحریم سیاسی، تحریم فناوری و علمی و نیز تحریم شخصیت‌ها را در بر می‌گیرد؛ بنابراین، متغیرهای بسیار متفاوت در این دو استراتژی بسیار و متغیرهای بسیار مشابه کمی وجود دارد.

مؤلفه‌های بسیار مشابه: با مقایسه این دو نوع از استراتژی در می‌یابیم که هر دو، برای مقابله و مبارزه با نظام سلطه و قدرت‌های مداخله‌گر خارجی بوده‌اند. تاریخ سیاسی ملت ایران، بیانگر این موضوع است که استعمارگر خارجی همیشه در صدد استمرار وابستگی حکمرانان و دخالت در امور داخلی ایران با هدف حفظ و کسب منافع خود بوده است. شاخص مشابه در دو مقطع ملی شدن صنعت نفت و نیز تاریخ انقلاب اسلامی در ایران حاکی از مبارزه با نظام سلطه و قدرت‌های مداخله‌گر است. در مقطع ۱۳۳۰ دولت انگلیس و در مقطع ۱۳۹۰ دولت‌مردان آمریکایی، محور مبارزه‌جویی با ملت

ایران قرار می‌گیرند. در مقطع ۱۳۳۰ به دلیل وجود اختلاف‌ها میان دو جریان مذهبی و ملی طرفدار ملی شدن صنعت نفت، جریان ملی دکتر محمد مصدق، باروی گردانی از قدرت انگلیس، به قدرت استعمارگر نوظهور آمریکا متمایل شد و امیدوارانه به خارج از مرزها نگرست که مقدمه شکست نهضت ملی شدن صنعت نفت ایران را فراهم کرد، اما نوع نگاه در اقتصاد مقاومتی، بر نگاه استقلال طلبانه و با اتکا به ملت ایران، استوار است. بنابراین، دو مقطع دهه ۱۳۳۰ در جریان جنبش ملی شدن صنعت نفت ایران توسط انگلیس، و تاریخ ۳۴ ساله پیروزی انقلاب اسلامی، به‌ویژه اوج فشارها و تحریم‌های نظام سلطه با محوریت آمریکا در دهه ۱۳۹۰، بیانگر فشار و تهدید و تحریم است. سیاست دو قدرت انگلیس و آمریکا با هدف تسلط و بر خورداری از منابع انرژی، به‌ویژه نفت، بر وابسته نگه داشتن کشورهای دارنده آن، بوده است. محور دو استراتژی اقتصاد سیاسی و اقتصاد مقاومتی نیز در دو مقطع ۱۳۳۰ و ۱۳۹۰ نفت است، و هدف از آن مقابله و ایستادگی در برابر تحریم اقتصادی نظام سلطه می‌باشد.

مؤلفه‌های بسیار متفاوت: در مقایسه دو استراتژی اقتصاد سیاسی با اقتصاد مقاومتی در دو دهه ۱۳۳۰ و ۱۳۹۰ می‌توان موارد زیر را متغیرهای بسیار متفاوت دانست.

۱. انسجام و پراکندگی ملی: با مقایسه این دو مقطع در می‌یابیم که در دهه ۱۳۳۰ به دلیل وابستگی دربار به انگلیس، اختلاف بین دو جریان مذهبی و ملی حامی ملی شدن صنعت نفت ایران و برخوردار نبودن ملت ایران از این سرمایه ملی، مردم ایران از استراتژی اقتصاد سیاسی دولت محمد مصدق استقبال نکردند و این استراتژی نتوانست وحدت و انسجام ملی را در سطح کشور برای حمایت از خودش فراهم نماید. همچنان که ملت ایران در مقابله با دخالت دولت انگلیس و آمریکا در کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ بی تفاوت بودند، اما در مقطع ۱۳۹۰ استراتژی اقتصاد مقاومتی، از حمایت ملت ایران برخوردار است. در طول حدود ۳۵ سال فشار، تهدید و تحریم نظام سلطه علیه ملت ایران، حضور مردم در حمایت از نظام سیاسی با شرکت گسترده در بیش از ۳۴ انتخابات، برپایی راهپیمایی باشکوه ۲۲ بهمن و روز قدس در هر سال و اقدام ملت به خلق حماسه سیاسی

در سال گذشته، وحدت و انسجام ملی و ناکارآمدی تحریم دشمن را در پرتوی تحمل سختی ناشی از آن، نشان می‌دهد؛

۲. پیشرفت و عقب‌ماندگی علمی: یکی دیگر از متغیرهای بسیار متفاوت استراتژی اقتصاد سیاسی و اقتصاد مقاومتی، نمودار رشد و پیشرفت کشور در عرصه گوناگون علمی است. در مقطع ۱۳۳۰ راهبرد اقتصاد سیاسی نتوانست زمینه شکوفایی علمی کشور را فراهم نماید، اما در مقطع ۱۳۹۰، فشار، تهدید و تحریم دشمن، احساس خوداتکایی و باور به اینکه ما می‌توانیم کشور را تقویت شکوفا کرد. از نتایج شکست راهبرد اقتصاد سیاسی در مقطع ۱۳۳۰، حضور پزشک از کشورهای پاکستان، بنگلادش در کشور و وابستگی شدید به خارج را شاهدیم، در حالی که حدود ۳۵ سال تحریم اقتصادی، استراتژی اقتصاد مقاومتی، زمینه خودکفایی علم پزشکی و نیز استقلال و رشد علمی کشور را فراهم کرده است. آمارهای جهانی نشان می‌دهد افزون بر این موارد، ایران در تولیدات کشاورزی رتبه‌های جهانی خوبی به دست آورده است و در تولید فولاد رتبه هفده جهان، سیمان رتبه پنج، صادرات رتبه ۲۳، مس رتبه ده، کاشی و سرامیک رتبه پنج، محصولات دانش‌بنیان رتبه چهل، در حوزه انرژی‌های نورتبه دوازده، فناوری اطلاعات رتبه سیزده، آب رتبه چهارده، سلول‌های بنیادین رتبه هجده، میکروالکترونیک رتبه بیست و زیست فناوری رتبه ۳۲ جهان را به دست آورده است. رهبر معظم انقلاب در این باره می‌فرمایند.

یک قلم، پیشرفت‌های بزرگ علمی در طول سال ۹۱ است. در زمینه علم و فناوری کارهایی شد که حقیقتاً چشم‌پُرکن و برای انسانی که معتقد به آینده کشور است، خرسندکننده و خوشحال‌کننده است؛ یعنی همین سالی که خواستند بر ملت ایران سخت بگیرند، جوانان عزیز ما، دانشمندان ما ماهواره ناهید را به فضا فرستادند؛ کاوشگر پیشگام را با موجود زنده به فضا فرستادند؛ جنگنده فوق پیشرفته ساخته شد. اهمیت هر کدام از اینها به قدری است که جا دارد یک ملت برای هر یک از اینها اظهار خوشحالی و خرسندی کند، برایش سرود بسازند،

جشنواره درست کنند. کارها چون متراکم است، درست تبلیغ نمی‌شود و خبررسانی کاملی هم انجام نمی‌گیرد. وقتی که این موجود زنده به فضا فرستاده شد و سالم برگشت، آن قدر این قضیه برای دانشمندان دنیا و ناظران بین‌المللی تعجب‌آور بود که اول انکار کردند؛ ولی بعد که دیدند چاره‌ای نیست و حقایق و نشانه‌های درستی و واقعیت را مشاهده کردند، مجبور شدند که قبول کنند. (رهبری، ۱۳۸۷: سخنرانی)؛

۳. اقتصاد مولد و غیرمولد ملی: استراتژی اقتصاد سیاسی به دلیل کوتاهی عمر و در نتیجه به دنبال شکست آن، توانست کشور را در عرصه تولید کمک نماید. واردات گسترده محصولات کشاورزی و نیازمندی‌های داخلی و وابستگی شدید اقتصاد کشور به خارج از مهم‌ترین دلایل ناکارآمدی این استراتژی است، اما استراتژی اقتصادی مقاومتی در طول حدود ۳۵ سال از پیروزی انقلاب اسلامی و به ویژه در دهه ۱۳۹۰ با تشدید تحریم‌های نظام سلطه علیه ایران، توانسته است در برخی از عرصه‌های کشاورزی و صنعتی، کشور را خودکفا کند. ایجاد کارگاه‌های زودبازده و اشتغال‌زایی، عوامل دیگر ویژگی‌های اقتصاد مقاومتی در تولید ملی به شمار می‌آید. البته کوتاهی در حمایت از تولید ملی، این عرصه را با مشکلاتی مواجه کرده است، اما در مقایسه با استراتژی اقتصاد سیاسی، فاصله پیشرفت در این دو مقطع انکارناشدنی است؛

۴. کاهش و افزایش وابستگی به نفت: در مقایسه اقتصاد سیاسی و اقتصاد مقاومتی، تفاوت در جهت تلاش برای کاهش و قطع وابستگی به نفت می‌باشد. در مقطع ۱۳۳۰ دولت وقت استراتژی خود را در اقتصاد سیاسی، مبارزه منفی و اقتصاد بدون نفت اعلام کرد، ولی در عمل تلاشش را برای افزایش تولید و صدور نفت به دلیل وابستگی اقتصاد کشور به آن قرارداد که با شکست مواجه شد. دولت انگلستان به سبب ملی کردن نفت (که حق مسلم هر کشوری است) سیاستی خصمانه پیش گرفت و در نخستین گام ایران را تحریم نفتی نمود. البته مصدق و جبهه ملی معتقد بودند که تحریم نفت ایران ممکن نیست؛ به این دلیل که اولاً بسیاری کشورهای جهان به خرید نفت از ایران وابسته‌اند؛ از

جمله اروپای غربی ۱۶ درصد از نیاز خود به نفت خام و ۳۱ درصد از فرآورده‌های نفتی تصفیه شده مورد نیازش را از ایران وارد می‌کند و در صورت تحریم، خود اروپا و غرب جزو ضررکنندگان اصلی خواهند بود؛ ثانیاً تصور سیاستمداران بر این بود که به دلیل رقابت شرکت‌های نفتی آمریکا با شرکت نفت انگلیس، و از سوی دیگر ترس آمریکایی‌ها از نزدیک شدن ایران به شوروی، در صورت به توافق رسیدن با آمریکا، خریدار اصلی دیگری برای نفت ایران فراهم خواهد شد.

اما روند وقایع نشان داد که دولت چندان هم برای تحریم آماده نبود؛ زیرا پیش‌بینی دولت درباره مداخله نکردن نظامی انگلیس (به دلیل ممانعت دو قدرت نظامی اول جهان) درست درآمد، اما تحریم نفتی کامل از جانب انگلیس، با پشتیبانی دیگر قدرت‌های غربی (حتی شوروی) همراه شد؛ به گونه‌ای که امریکانه تنها به صف تحریم‌کنندگان ایران پیوست که در پشت پرده، قضایا را به نحوی پیش برد که همواره منافع انگلستان لحاظ شود، (بیل، ۱۳۷۱: ۱۵۴) اما استراتژی اقتصاد مقاومتی بر پایه خارج کردن اقتصاد کشور از وابستگی به نفت قرار دارد. اگرچه فاصله بسیاری برای دستیابی به این هدف پیش‌رو داریم، ولی کاهش ۴۳ درصدی وابستگی بودجه ۱۳۹۲ کشور به نفت از نشانه‌های موفقیت این عرصه به شمار می‌آید؛

۵. نگاه‌های متفاوت به قدرت‌ها: حاکمیت دوگانه شاه و دولت ملی و نظام سیاسی غیرمردمی و تمایل هردو به نظام سلطه از مهم‌ترین دلایل شکست سیاست اقتصاد سیاسی است. دکتر مصدق می‌پنداشت که از آمریکا علیه انگلیس استفاده کند، فؤاد روحانی مشاور حقوقی شرکت نفت انگلیس و ایران و نویسنده کتاب تاریخ ملی شدن نفت ایران می‌نویسد. «زعمای نهضت ملی تصور می‌کردند در اختلاف نفت ایران و شرکت سابق، دولت آمریکا جانب انگلستان را خواهد کرد و به خاطر پشتیبانی صرف از حق، به یاری ایران خواهد شتافت.» (مکی، ۱۳۷۸، ج ۷: ۴۷۷)

آنان بسیار امیدوار بودند که از این طریق بتواند از فشار انگلیسی‌ها بکاهد. متنها اشتباه کردند و به جای اینکه به مسائل درونی بیندیشند، به مسائل خارجی روی آوردند و متأسفانه

سیر توجه و امید بستن به بیرون بیشتر از توجه به داخل شد. مصدق به عوامل بیرونی بیش از پارامترهای داخلی توجه کرد. او حتی نظام وابسته پهلوی را نیز می‌ستود و علاقه خود را به خاندان پهلوی پنهان نمی‌کرد و در مجلس دوره چهاردهم طی نطقی گفت:

بنده می‌خواهم اینجا عرض کنم که من در این مجلس از همه بیشتر شاه را دوست دارم... ما امروز یک شاه خوب داریم و شاه خوب را باید نگاه داریم... خدا شاهد است آقایان این شاه وطن خودش را دوست دارد؛ والله شاید کسی از ما به قدر او حسن نیت ندارد؛» (فردوست، ۱۳۹۱: ۱۶۸) اما انگلیسی‌ها به بهانه تسلط کمونیست‌ها بر ایران، از طریق مصدق، وی را سرنگون ساختند. (مؤسسه فرهنگی قدر ولایت ۱۳۷۹، ج ۷: ۴۰۱)

امامت ایران با انقلاب اسلامی بدون وابستگی به نظام سلطه، نظام سیاسی مردم‌سالاری دینی را با موفقیت ایجاد کرد و امروزه الگوی منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا شده است و پیام استقلال‌طلبی‌اش را به گوش مردم جهان می‌رساند. رهبر معظم انقلاب می‌فرماید:

«ملت ایران در مجموعه خود، ایمان دینی را معیار و ملاک و راهنما قرار داده است. در سرتاسر کشور با اندازه‌های کم و زیاد، همه ملت ایران این جورند. حرکت، حرکت همراه با غیرت و شجاعت و احساس مسئولیت است؛ اما با راهنمایی دین، با پشتوانه ایمان دینی؛ این خیلی ارزشمند است. برای همین هم هست که شما ملاحظه می‌کنید خطراتی که معمولاً از طرف قدرت‌های سلطه‌گر جهانی متوجه ملت‌ها می‌شود و آنها را متزلزل می‌کند، این خطرها ملت ایران را متزلزل نکرد. حالا در برهه کنونی، زمان مسئله تحریم‌ها و فشارها گفتند که می‌خواهیم برای ملت ایران تحریم فلج‌کننده تنظیم کنیم؛ تنظیم هم کردند. دو سه روز قبل از بیست و دوی بهمن، یک مرحله جدید تحریم‌ها را وارد معادلات کردند؛ جواب ملت ایران این بود که امسال راهپیمایی بیست و دوی بهمن از سال‌های قبل پر شورتر است. هر سال بیست و دوی بهمن، ملت ایران ضربه‌ای [که] بر دشمنان وارد می‌کند؛ مثل بهمنی بر سر دشمنان و مخالفان فرود می‌آید. امسال هم این بهمن فرود آمد.» (رهبری، ۱۳۹۱: سخنرانی)

ایستادگی نکردن دولت مصدق در برابر نظام سلطه و امیدواری به ضلع دوم آن (آمریکا) از دلایل شکست سیاست اقتصاد سیاسی است. با توجه به اینکه قدرت‌های محور و استعماری در طول تاریخ، منافع خود را پیگیری می‌کنند، بنابراین، میان انگلیس، آمریکا و روسیه فرقی وجود ندارد، اما در جریان ملی‌شدن صنعت نفت ایران و تحت فشار و تحریم قرار گرفتن ایران توسط انگلیس، تمایل دولت وقت به آمریکا را شاهدیم. آمریکا نه فقط سیاست همکاری و مساعدت با دولت ایران را در پیش نگرفت، بلکه در توافقی پنهانی با انگلیس، برای براندازی دولت دکتر مصدق، اقدام کرد، اما اگر دولت مصدق به کمک نیروی مردمی و با محوریت روحانیت و با برنامه‌ریزی اقتصاد درونی و مردمی با فشار و تحریم مبارزه می‌کرد، نتیجه دیگری می‌گرفت.

انقلاب اسلامی ایران با ایستادگی و ایمان به دوشعار «ما می‌توانیم» و «نه شرقی و نه غربی، جمهوری اسلامی» ثابت کرده است که بدون کمک خارجی هم می‌تواند، با حفظ استقلال، به توسعه و پیشرفت دست یابد. این قدرت مردمی است که عزت، استقلال و پیشرفت را به همراه دارد.

در مقابله با این فشار و آزار، دوراه وجود دارد:

ملت‌های ضعیف وقتی که دشمن فشار آورد، می‌روند در مقابل دشمن تسلیم می‌شوند، خشوع می‌کنند، توبه می‌کنند، اما ملت شجاعی مثل ایران به مجرد اینکه دید دشمن دارد فشار می‌آورد، سعی می‌کند نیروهای درونی خود را فعال کند، با قدرت و شجاعت از منطقه خطر عبور کند؛ و همین کار را خواهد کرد. این هم تجربه سی ساله ماست. در مقابل سی سال فشار آمریکا، ملت ما از لحاظ پیشرفت علمی، پیشرفت اقتصادی، پیشرفت فرهنگی، آبروی بین‌المللی، نفوذ و اقتدار سیاسی، به جایی رسیده است که در دوران رژیم‌های پهلوی و قاجار خوابش را هم نمی‌دیدند؛ مقاومت، نیروی درونی یک ملت را احیا می‌کند و به فعلیت می‌رساند. همین تحریم‌هایی که می‌کنند، به کمک ملت ایران خواهد آمد و ملت ایران را به اذن الله و به حول و قوه الهی به رشد و شکوفایی خواهد رساند. این، نکته مهمی است. (رهبری، ۱۳۹۱: سخنرانی)؛

۶. عدالت و توسعه اقتصادی: بهره‌مندی مردم از سرمایه ملی نفت از دیگر متغیرهای بسیار متفاوت اقتصادی سیاسی و اقتصاد مقاومتی است. اقتصاد سیاسی در مقطع ۱۳۳۰ به دلیل وابستگی کشور به استعمارگران و نیز به دلیل تمرکز ثروت در عده‌ای محدود، به ویژه مجموعه دربار و نداشتن عزم جدی برای مبارزه با مفاسد اقتصادی، نتوانست مردم را از این نعمت الهی بهره‌مند کند. به قدرت رسیدن دولت وابسته و تقویت رژیم استبدادی پهلوی در نتیجه شکست این استراتژی، موجب ایجاد کنسرسیوم نفتی بین انگلیس، آمریکا و برخی دیگر از کشورها شد که مردم را از عواید حاصل از آن محروم کرد. سیاست عرضه اوراق قرضه نیز به دلیل شکست آن نتوانست مردم را با این استراتژی همراه نماید؛ در حالی که به دلیل استقلال ایران در پرتوی پیروزی انقلاب اسلامی، استراتژی اقتصاد مقاومتی توانسته است با پیگیری عدالت اجتماعی و اقتصادی، زمینه بهره‌مندی مردم را از این سرمایه ملی فراهم کند. اجرای طرح هدفمندی یارانه‌ها و پیگیری اصل ۴۴ قانون اساسی و تقویت بخش خصوصی و تعاونی و تصمیم‌گیری ملت درباره سرنوشت خود، از مهم‌ترین عرصه‌های موفقیت در ایجاد عدالت اقتصادی و اجتماعی سیاست اقتصاد مقاومتی به شمار می‌آید:

مسئله، ایجاد تحرک و پویایی در اقتصاد کشور و بهبود شاخص‌های کلان است و از همه این شاخص‌ها مهم‌تر، شاخص کلیدی و مهم عدالت اجتماعی است؛ یعنی ما رونق اقتصادی کشور را بدون تأمین عدالت اجتماعی به هیچ‌وجه قبول نداریم و معتقد به آن نیستیم. کشورهایی هستند که شاخص‌هایشان خیلی خوب است، مطلوب است، رشد اقتصادیشان خیلی بالاست؛ لکن تبعیض، اختلاف طبقاتی، نبود عدالت در آن کشورها محسوس است؛ ما این را به هیچ‌وجه منطبق با خواست اسلام و اهداف جمهوری اسلامی نمی‌دانیم. بنابراین، یکی از مهم‌ترین شاخص‌های ما، شاخص عدالت اجتماعی است. باید طبقات محروم از پیشرفت اقتصادی کشور به معنای واقعی کلمه بهره‌مند شوند. (رهبری، ۱۳۹۲: سخنرانی)؛

۷. تفاوت در اهداف: استراتژی سیاست اقتصاد سیاستی فقط با انگیزه مقابله با تحریم‌های دهه ۱۳۳۰ و مبارزه منفی با آنها اتخاذ شده بود که به دلیل امیدبستن به دیگر قانون‌های قدرت خارجی و بی‌توجهی به ظرفیت‌های درون‌زای کشور با شکست مواجه شد؛ در صورتی که اقتصاد مقاومتی تدبیر بلندمدت و سیاست راهبردی است و چهار نکته اصلی انگیزه و عامل تهیه این سیاست‌ها دانسته شده است. مقام معظم رهبری پس از ابلاغ سیاست‌های ۲۴ گانه اقتصاد مقاومتی، در جلسه تبیین سیاست‌های اقتصاد مقاومتی، افزون بر ناکام‌سازی تحریم‌های خارجی، ۱. توجه ویژه به ظرفیت‌های فراوان مادی و معنوی کشور؛ ۲. توجه به مشکلات مزمن و دیرپا (و از جمله وابستگی به نفت؛ عادت به واردات بدون اولویت؛ نگاه به تولید خارجی؛ تورم مزمن؛ بیکاری؛ معیوب بودن برخی ساختارهای اقتصادی ما؛ اشکال در نظام‌های مالی - نظام‌های پولی، نظام‌های بانکی، نظام‌های گمرکی ما؛ اشکال در الگوی مصرف؛ اشکال در مسئله تولید؛ و اشکال در بهره‌وری؛ ۳. بحران‌های اقتصادی جهانی را اهداف، انگیزه و عامل تهیه سیاست اقتصاد مقاومتی اعلام کردند. (رهبری، ۱۳۹۲: سخنرانی)

نتیجه‌گیری

نفت، عاملی اساسی در اهداف کشورهای استعمارگر محسوب می‌شود. از نظر آمریکا «نفت صرفاً خودروها و هواپیماها را تغذیه نمی‌کند، نفت نیروی نظامی، خزائن ملی و سیاست خارجی را نیز تغذیه می‌کند.» (کلی، ۱۳۸۹، ج ۱: ۲۱) این ماده حیاتی از مهم‌ترین عوامل در بسیاری از درگیری‌ها، بی‌ثبات‌سازی‌ها، کودتاها و توطئه‌های گوناگون در صدها سال اخیر خاورمیانه، به ویژه خلیج فارس، و از فاکتورهای اثرگذار در روابط و رقابت، گرفتاری‌ها و مشکلات ملت‌های منطقه بوده است. (منصوری، ۱۳۹۰: ۲۷)

نفوذ و حضور نظام سلطه و از جمله انگلیس و آمریکا در منطقه خلیج فارس از سال‌های دور به بهانه کمک به توسعه کشورهای جهان سوم، یا مبارزه با تروریسم آغاز شد، ولی به نظر می‌رسد که یکی از عوامل مهم و اساسی این حضور، ذخایر ۶۴ درصدی

نفت در این منطقه است. غالب برآوردها، نشان می‌دهد که فرسوده شدن میدان‌های نفت در اروپا و آمریکا، سهم خاورمیانه در تأمین تقاضاهای جهان به سرعت روبه افزایش است. ادوارد آل مورس،^۱ متخصص انرژی، معتقد است نفت پرکاربردترین منبع سوختی است که تاکنون کشف شده، و در قلب اقتصاد صنعتی مدرن جای گرفته است. (Fall, 1999: 2) طبق برآوردهای آژانس اطلاعات انرژی، سهم خاورمیانه در کل ظرفیت تولید جهان از ۲۶ درصد در سال ۲۰۰۱ م. به ۳۲ درصد در سال ۲۰۲۵ م. افزایش خواهد یافت. براین اساس تا سال ۲۰۲۵ متجاوز از ۴۱ درصد کل افزایش تقاضای جهان برای نفت از خاورمیانه تأمین خواهد شد.

از سوی دیگر وابستگی نفتی به صورت باورنکردنی هزینه‌هایی برابر با میلیارد دلار بر اقتصاد کشورهای صنعتی تحمیل می‌کند. نگرانی در خصوص نبود یا کمبود منابع انرژی برای مراکز صنعتی باعث شده است که کشورهای دارنده این منابع، پس از جنگ جهانی دوم، همواره هدف آماج حملات سیاسی، نظامی و اقتصادی و از جمله تحریم‌های اقتصادی کشورهای مصرف‌کننده صنعتی قرار گیرند. در نتیجه هر زمانی که یکی از کشورهای دارنده این منابع، امنیت عرضه انرژی را به کشورهای صنعتی و استعمارگر، مختل، یا مانعی در این زمینه ایجاد کرده‌اند، با مقابله جویی آنها روبه‌رو شده‌اند. مبارزه جویی انگلیس و آمریکا در تحریم ایران در دو مقطع ۱۳۳۰ و ۱۳۹۰ به دنبال ملی شدن صنعت نفت و پیروزی انقلاب اسلامی ایران در کوتاهی دست آنها از نفت ایران، میدان درگیری بین ایران و استعمارگران است که با دو استراتژی اقتصاد سیاسی و اقتصاد مقاومتی روبه‌رو گردید.

مدل استراتژی اقتصاد سیاسی به دلیل وابستگی نظام حاکم به خارج، بانگ‌ریش بیرون‌زایی دولت وقت، و بی‌توجهی و غفلت دولت دکترا مصدق به هشدارهای جریان مذهبی، از جمله آیت‌الله کاشانی و نیز جداشدن از بدنه اجتماعی ملت ایران، در برابر فشار و تحریم نظام سلطه، در مدت کوتاهی با شکست مواجه شد، در حالی که استراتژی

اقتصاد مقاومتی با وجود تهدید و تحریم در حدود ۳۵ سال از پیروزی انقلاب اسلامی، به دلیل نگرش درون‌زایی حاکمیت که از آرمان‌ها و ارزش‌های دینی و انقلابی نشئت می‌گیرد، افزون بر ناکامی دشمن در دستیابی به اهدافش توانسته است، با تحمل فشارها راه توسعه و پیشرفت را با موفقیت ادامه دهد.

روزنامه صهیونیستی جرزالم‌پست به نقل از خانم گابریل شالیو، نماینده رژیم غاصب صهیونیستی در سازمان ملل، به شکست تحریم‌ها علیه ایران اعتراف می‌کند و می‌نویسد:

برخلاف توقع و آرزوی ما، تحریم‌ها، هیچ تأثیری بر ایران نداشته است. تحریم‌هایی که از سوی سازمان ملل، آمریکا و اتحادیه اروپا علیه ایران به تصویب می‌رسند، بیشتر به حرف می‌ماند و به مرحله عمل نمی‌رسند. الان ما دور چهارم تحریم‌ها را علیه ایران پشت سر می‌گذاریم، ولی ایران همچنان همه ما را به سخره گرفته، و ما را مسخره می‌کند. (jpost.com)

البته تحریم و اعمال محدودیت برای یک کشور سختی و تبعاتی به همراه دارد و برای ایران که حجم تحریم‌ها در حوزه‌های گوناگون عملیاتی شد، اثرهای جزیبی در حوزه‌های صادرات، واردات، سرمایه‌گذاری و مؤسسات مالی بین‌المللی گذاشت و اختلالاتی را به وجود آورد، اما ایران با اصلاحاتی که در قوانین و تفسیر آنها انجام داد، توانست سرمایه‌گذاری را در حوزه بالادستی نفت رونق ببخشد، اما آنچه آمریکا با این کار به دنبال آن بود (یعنی تحریم‌ها بر رفتار ایران تغییراتی ایجاد کند)، به نظر بیشتر اندیشمندان و کارشناسان تأثیری نداشته است. اکنون نیز که سال ۱۳۹۳ سال اقتصاد و فرهنگ با عزم ملی و مدیریت جهادی نامیده شده است، تنها راه تحقق حماسه اقتصادی؛ پیگیری اقتصاد مقاومتی با مردمی کردن اقتصاد کشور؛ نهادسازی انقلابی و جهادی در عرصه اقتصاد؛ توجه ویژه به تولید و عملی کردن رهنمودهای رهبر معظم انقلاب، مبتکر استراتژی اقتصاد مقاومتی برای عبور موفقیت‌آمیز از آخرین حربه دشمن در تهدید و تحریم است. در اتخاذ الگوی توسعه اقتصادی باید از تقلید و نسخه‌برداری

دوری و از نسخه مناسب اقتصاد سرزمینمان پیروی کرد، این نکته ما را هم‌گام با بیانات مقام معظم رهبری به این اصل اساسی رهنمون می‌کند که پیشرفت برای همه کشورها و همه جوامع عالم، الگوی واحدی ندارد و در قالب الگوهای بلندمدت و کوتاه‌مدت تبیین می‌شود که در هر کدام از این افق‌ها، الزاماتی دارند. در کوتاه‌مدت الزامات اقتصاد مقاومتی مربوط به برنامه‌ها و امور اجرایی کشور در زمینه‌های حمایت از تولید ملی؛ مدیریت منابع ارزی؛ مدیریت مصرف؛ استفاده حداکثری از زمان و منابع و امکانات و حرکت بر اساس برنامه است. الزامات این سیاست‌ها در بلندمدت در پی اصلاح نظام اقتصادی کشور می‌باشد که عبارت‌اند از تکیه بر مردم؛ مقاوم‌بودن اقتصاد؛ اقتصاد دانش‌بنیان؛ کاهش وابستگی به نفت و تبیین دانشگاهی و آکادمیک اقتصاد مقاومتی. اصول اساسی، اصولی مانند تأمین شرایط و فعال‌سازی همه امکانات و منابع مالی و سرمایه‌های انسانی و علمی کشور؛ پیشتازی اقتصاد دانش‌بنیان؛ محور قرار دادن رشد بهره‌وری در اقتصاد؛ سهم‌بری عادلانه عوامل در زنجیره تولید؛ اصلاح و تقویت همه‌جانبه نظام مالی کشور؛ افزایش تولید داخلی نهاده‌ها و کالاهای اساسی و صرفه‌جویی در هزینه‌های عمومی کشور است. بی‌تردید اقتصاد مقاومتی، اقتصاد ایران را در برابر تهدیدها مقاوم کرده، و شاهد تحولاتی شگرف در زمینه‌های کارآفرینی؛ مشارکت آحاد جامعه در فعالیت‌های اقتصادی؛ توانمندسازی نیروی کار؛ رقابت‌پذیری اقتصاد؛ اشتغال؛ و بهره‌وری شاخص‌های عدالت اجتماعی خواهیم بود. البته در راستای ابلاغ سیاست‌های اقتصاد مقاومتی چند نکته اساسی وجود دارد، نخست همه اهداف و چشم‌اندازهای مطرح‌شده به صورت مفصل و دقیق برای مردم تشریح شوند؛ بنابراین، اطلاع‌رسانی‌های لازم قبل و حین اجرای این سیاست‌ها باید انجام شود، به گونه‌ای که مردم در اجرای این سیاست‌ها کمال همکاری و اهتمام را به عمل آورند؛ زیرا بی‌تردید اجرایی‌سازی هر سیاستی بدون همکاری مردم مؤثر نخواهد بود؛ دوم به منظور حسن نظارت بر اصول اقتصاد مقاومتی باید همه اهداف در قالبی مفصل‌تر تشریح، و اهداف به صورت کمی طراحی و برنامه‌ریزی شوند، و اهرم‌های نظارتی دقیق برای اجرای دقیق

این اهداف طراحی شده اندیشیده شود؛ زیرا تجربه سال‌ها و دهه‌های گذشته نشان داد فقدان اهرم نظارتی معنی‌دار بیش از هر عامل دیگری موجب دست نیافتن به افق‌های طراحی شده بود. همچنین باید عملکرد دولت و دیگر قوای اجرایی در موضوع اقتصاد مقاومتی هماهنگ باشد و نیز همگامی برنامه‌های بودجه‌ای دولت با سیاست‌های ابلاغی باید به صورت شفاف تبیین شود؛ زیرا برنامه‌های بودجه‌ای دولت و به‌طور خاص عملکرد بخش عمومی در موفقیت سیاست‌های ابلاغی نقش محوری را ایفا خواهد کرد. برای دستیابی به موفقیت کامل در این عرصه، تشکیل مرکز رصد، پایش و اطلاع‌رسانی ضروری و لازم است.

کتابنامه

- ازغندی، علیرضا (۱۳۸۴). روابط خارجی ایران، تهران، قومس.
- بسته نگار، محمد (۱۳۸۱). مصدق و حاکمیت ملت، تهران، قلم.
- بیل، جیمز (۱۳۷۱). شیر و عقاب، ترجمه فروزنده برلیان، تهران، فاخته.
- پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی سید علی خامنه‌ای (مد ظله العالی)
- ترکان، محمد (۱۳۵۷). نامه‌های دکتر مصدق، تهران، هزاران، ج ۱.
- جمعی از نویسندگان (۱۳۸۷). بصیرت پاسداری، تهران، مرکز چاپ حوزه نمایندگی ولی فقیه در سپاه.
- جیمز اف. گود (۱۳۸۲). سایه مصدق بر روابط ایران و آمریکا، ترجمه علی بختیارزاده، تهران، کویر.
- ذوقی، ایرج (۱۳۷۰). مسایل سیاسی - اقتصادی نفت ایران، تهران، معراج.
- _____ (۱۳۸۰). رفتار سیاسی آمریکا در قبال نهضت ملی شدن صنعت نفت ایران، تهران، وزارت امور خارجه.
- زهرانی، مصطفی (۱۳۷۳). نظریه‌های تحریم اقتصادی، تهران، وزارت خارجه.
- سیف‌اللهی، سیف‌الله (۱۳۷۴). اقتصاد سیاسی ایران، تهران، المیزان.
- علیخانی، حسین (۱۳۸۴). تحریم ایران شکست یک سیاست، ترجمه محمد متقی نژاد، تهران، وزارت خارجه.
- فردوست، حسین (۱۳۹۱). ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، تهران، اطلاعات، ج ۱.
- کاتوزیان، محمدعلی (۱۳۷۲ الف). مصدق و مبارزه برای قدرت در ایران، ترجمه فرزانه طاهری، تهران، مرکز.

_____ (۱۳۷۲ ب). *اقتصاد سیاسی ایران*، ترجمه محمد رضا نفیسی و کامبیز عزیزی، تهران، مرکز.

کردزاده کرمانی، محمد (۱۳۸۰). *اقتصاد سیاسی جمهوری اسلامی ایران*، تهران، وزارت خارجه.
کلاسون، پاتریک (۱۳۷۶). *تحریم‌های آمریکا علیه ایران*، حسین محمدی نجم، تهران، دوره عالی جنگ سپاه.

کله، مایکل تی (۱۳۸۹). *نفت و خون*، ترجمه وحید موسوی، تهران، صادقی، ج ۱.

کی استوان، حسین (۱۳۲۹). *سیاست موازنه منفی*، تهران، تابان، ج ۱.

مارش، دیوید؛ استوکر، جری (۱۳۸۸). *روش و نظریه در علوم سیاسی*، ترجمه امیر محمد حاجی یوسفی، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.

مکی، حسین (۱۳۷۸). *سال‌های نهضت ملی*، تهران، امیر کبیر، ج ۷.

منصوری، جواد (۱۳۹۰). *چالش‌های ایران و آمریکا*، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

مؤسسه فرهنگی قدر ولایت (۱۳۷۹). *نقش روشنفکران وابسته؛ دکتر محمد مصدق*، تهران، مؤسسه فرهنگی قدر ولایت، ج ۷.

میر ترابی، سعید (۱۳۸۶). *مسایل نفت ایران*، تهران، قومس.